

حسین بن علی(ع) عصاره ساختار خلقت است

آیت الله جوادی آملی فرمودند: نهضت حضرت سیدالشهدا(ع) از نظر اندیشه در مدار عقل بود و از نظر انگیزه در مدار عدل بود؛ با عقل مداری جامعه را عالم و آگاه کرد، با عدل مداری سعی کرد که جامعه را به عدل برساند.



آیت الله جوادی آملی فرمودند: نهضت حضرت سیدالشهدا(ع) از نظر اندیشه در مدار عقل بود و از نظر انگیزه در مدار عدل بود؛ با عقل مداری جامعه را عالم و آگاه کرد، با عدل مداری سعی کرد که جامعه را به عدل برساند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حضرت آیت الله جوادی آملی در دومین قسمت از سلسله برنامه های "نهضت سیدالشهداء در مقام عقل و عدل" که به مناسبت ایام محرم الحرام که قبل از اخبار ساعت 21 از شبکه یک سیما پخش می شود، فرمودند: نهضت آن حضرت از نظر اندیشه در مدار عقل بود و از نظر انگیزه در مدار عدل بود؛ لذا فرمود امر به معروف و نهی از منکر برای آن است که جلوی ظلم گرفته شود و عدل احیا شود. با عقل مداری جامعه را عالم و آگاه کرد، با عدل مداری سعی کرد که جامعه را به عدل برساند.

متن کامل فرمایشات معظم له در اولین برنامه از "نهضت سیدالشهداء در مقام عقل و عدل" در ادامه تقدیم علاقمندان می گردد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

أعظم الله أجورنا و أجوركم بمصابنا بالحسين(عليه السلام) و جعلنا و إياكم من الطالبين لثاره(عليه الصلاة و عليه السلام)

نهضت سیدالشهداء حسین بن علی بن ابی طالب حق مدار بود و چون عقل و عدل در مدار حق و پیرو حق هستند، از این جهت عنوان بحث نهضت سیدالشهداء(علیه السلام) در مدار عقل و عدل انتخاب شد. در نوبت قبل بیان شد که حق در قرآن کریم گاهی بر ذات اقدس الهی اطلاق می شود: ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ [1] که این مقابل ندارد، گاهی بر فعل خدا اطلاق می شود الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ [2] که در مقابل این باطل و گزافه گویی و ظلم و امثال آن مطرح است. وجود مبارک سالار شهیدان(سلام الله علیه) تابلوی نهضت خود را حق مداری قرار داد و قهرآ چون عقل و عدل تابع حق هستند، در چهره تابلوی نهضت آن حضرت بیش از هر چیزی جریان عقل و عدل می درخشد. حضرت فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَّهَى عَنْهُ» [3] مگر نمی بینید جامعه حق مدار نیست؟! حق یعنی قول خدا، فعل خدا، ست خدا، سیره عملی انبیای الهی که از حق دستور می گیرند.

خدای سبحان حق را مصالح ساختمانی جهان قرار داد؛ فرمود من آسمان و زمین را به حق خلق کردم و باطل در ساختار خلقت و نظام هستی نیست که گاهی به صورت «موجب» و گاهی به صورت «سالب» این دو مطلب را ذکر می کند. فرمود ما باطل گرا نیستیم، اهل لعب و لهو و بازی نیستیم مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ [4] که این مضمون در بخش های اثباتی و سلبی چند آیه از قرآن هست. معنای اینکه خدا فرمود ساختار نظام هستی به حق است؛ یعنی آسمان و زمین و آنچه در آسمان و زمین هست و آنچه بین آسمان و زمین هست، مصالح ساختمانی اینها حق است و با حق ساخته شد؛ لذا باطل در آسمان و زمین و بین آسمان و زمین جایی ندارد و اگر کسی کار باطلی کرد و حرف باطلی زد، همانند کف روی سیل است که خودبه خود از بین می رود؛ نظام هستی باطل نمی پذیرد؛ زیرا مصالح ساختمانی این نظام حق است.

سالار شهیدان حسین بن علی بن ابی طالب(صلوات الله و سلامه علیهما) که عصاره ساختار خلقت است، مشاهده کرده است که در توده مردم، در دستگاه حکومت، در مسئولان نظام، حق مشهود نیست: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَّهَى عَنْهُ» و خودش هم مانند علی بن ابی طالب(سلام الله علیه) حق محور یا حق در مدار او یا او در مدار حق بود که «عَلَيَّ مَعَ الْحَقِّ» [5] و در این جا «حسین مَعَ الْحَقِّ»، وقتی کسی حسین بن علی را رها کرد؛ یعنی حق را رها کرد و اگر حق رها شود طولی نمی کشد که بر اساس فَأَمَّا الرِّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً [6] از بین خواهد رفت؛ لذا قیام کرد تا هم حق را معرفی کند و با تعریف حق، جامعه را به عقلانیت برساند و هم حق را اجرا کند تا جامعه را عادل کند؛ لذا نهضت آن حضرت از نظر اندیشه در مدار عقل بود و از نظر انگیزه در مدار عدل بود؛ لذا فرمود امر به معروف و نهی از منکر برای آن است که جلوی ظلم گرفته شود و عدل احیا شود. با عقل مداری جامعه را عالم و آگاه کرد، با عدل مداری سعی کرد که جامعه را به عدل برساند. الآن اگر در جهان سخنی از عدل و عقل است به برکت نهضت انبیا و اولیا عموماً و به برکت نهضت سالار شهیدان حسین بن علی(سلام الله علیهما) خصوصاً است.

این نکته را می توان در بعضی از زیارت های آن حضرت که در حرم مطهر آن حضرت خوانده می شود و همچنین در زیارت «اربعین» آن حضرت مشاهده کرد؛ در چند جا این دو نکته مدار بحث قرار گرفت: یکی در زیارتی که در حرم مطهر آن حضرت است و دیگری هم در زیارت «اربعین» و آن این است که امام(سلام الله علیه) رفت در زیارت سالار شهیدان بگوید «وَبَدَلْ

مُهَجَّتُهُ فَيَكْ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»؛ [7] یعنی پروردگارا! حسین بن علی (سلام الله علیهما) خون قلب، جگر و باطن خود را داد تا مردم از نظر علم و اندیشه عاقل شوند و از نظر انگیزه و عمل عادل شوند تا «مِنَ الْجَهَالَةِ» نجات پیدا کنند و از «الضَّلَالَةِ» نجات پیدا کنند، همان طوری که انبیا آمدند با يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ [8] دو کار اساسی را محور برنامه قرار دادند؛ یعنی یکی عقل مداری و دیگری عدل محوری که مردم را عاقل کنند تا علم صائب داشته باشند، اندیشه سالم داشته باشند، حقیقت را خوب بفهمند؛ چه در علوم تجربی و چه در نیمه تجربی، چه در تجربی و نیمه تجربی و چه در تجربی محض که عاقل شوند، خوب بفهمند و دانشمند شوند و عادل شوند که نه راه کسی را ببندند و نه بیراهه بروند، همان دو هدف انبیا (علیهم السلام) را سالار شهیدان (سلام الله علیه) در نهضت خود مدار کار خود قرار داد تا مردم عاقل شوند در بخش علم و عادل شوند در بخش اندیشه «وَ بَذَلَ مُهَجَّتَهُ فَيَكْ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»، از این جهت سالار شهیدان وارث انبیا می شود، چون انبیا برای همین دو مدار تلاش و کوشش کردند؛ وجود مبارک حسین بن علی (سلام الله علیهما) که وارث همه انبیاست، در همین دو مدار تلاش و کوشش می کند؛ لذا در بسیاری از این زیارتنامه ها که تقریباً به منزله تبیین سیره آن حضرت و سیره آن حضرت و ست آن حضرت و تشریح نهضت آن حضرت است، آمده است که تو مردم را به حکمت و موعظه دعوت کردی. اگر خدای سبحان به رسول گرامی و مکرم خود (علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) فرمود: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، [9] همین مطلب در زیارتنامه های سالار شهیدان آمده است که تو مردم را به «حکمت» و «موعظه حسنه» دعوت کرده ای؛ هم با «حکمت» دعوت کردی که عاقل شوند و هم با «موعظه حسنه» دعوت کردی که عادل شوند.

بنابراین وارث انبیا بودن از یک سو و حق مداری انبیا از سوی دیگر، عقل و عدل مداری انبیا از سوی سوم باعث شده است که حسین بن علی (سلام الله علیه) که وارث انبیاست همین مطالب را هم در گفتار خود، هم در رفتار خود به جامعه ارائه کند؛ لذا هم از حق مداری و حق محوری سخن گفت: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَّهَى عَنْهُ» هم از ظلم ستیزی و عدل دوستی و عادل پروری و ظالم کوبی سخن گفته است که امیدواریم خدای سبحان همگان را مشمول شفاعت آن ذات قدسی قرار دهد!

«غفر الله لنا و لكم و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته»

پاورقی:

- [1]. سوره حج، آیه 6.
- [2]. سوره بقره، آیه 147.
- [3]. تحف العقول، ص 245.
- [4]. سوره دخان، آیه 39.
- [5]. الامالی (ط - اسلامی)، ص 89.
- [6]. سوره رعد، آیه 17.
- [7]. تهذیب الاحکام، ج 6، ص 113.
- [8]. سوره بقره، آیه 129.
- [9]. سوره نحل، آیه 125.